

## نقش زنان در استوره و تاریخ

بنابر یک استورهِی آفرینشی در وداهای سنسکریت، در آغاز، توشتری (Tushtri) آهنگر - خدای هندی، دست به آفرینش بشر زد، ولی دریافت که تمام مرادی که داشته است در ساختن مرد به کار برده و چیزی برایش باقی نمانده است. لذا برای ساختن زن از خرده‌ریزها و مانده‌های آفرینش استفاده کرد و آن‌ها را درهم آمیخت و زن را این‌گونه ساخت: از گردی ماه، از پیچ و خم گیاهان رونده، چسبندگی پیچک‌ها، لرزش علف‌ها، باریکی یخ، سبکی برگ‌ها، نگاه آهوان، گرد هم آمدن زنبورها، هراس خرگوش‌ها، چهچه‌ی بلبل، برودت برف، نرمی سینه‌ی طوطی، سختی خارا، شیرینی عسل، درنده‌خویی ببر، گرمی شعله‌ی آتش، دورنگی دورنا، وقاداری غاز؛ و همه را به هم آمیخت و زن را ساخت.

این موجود آسمانی از دوران باستان تا کنون مبتکر و آگاه از همه‌ی اسرار طبیعت و آغازی برای تمدن اولیه‌ی بشر بوده است. یامستان‌شناسان بر این باورند که این زنان بودند که مردان را از دوران توحش به عصر نوسنگی کشاندند. کشاورزی که بنیان و اساس میاست، اقتصاد و دین را تشکیل می‌داد، به زنان نسبت داده می‌شود. یکی از دانشمندان می‌نویسد در تمام نقاط شرق باستان نام‌ها و اقدام‌های زنان با تاریخ تاسیس شهرهایی که برپا شدند در ارتباط بود. هرودوت ذکر می‌کند که در میان مردم لودیبه (Lydia) این روایت باقی است که بناهای عظیم دوران باستان، در آن سرزمین و در زمان او به وسیله‌ی زنان ساخته و برپا شده است. حتا بنای برخی از عجایب هفت‌گانه‌ی جهان به‌دو ملکه‌ی سمیرامیس (Semiramis) و نیتوکریس (Nitocris) نسبت داده می‌شود. در واقع زنان، با زیرکی خود نخستین انگیزه‌ی تمدن را به بشر هدیه کردند. کار آنان نخستین اقدام مهم جامعه‌ی بشری بوده است و در واقع، زنان بهتر می‌توانستند کارهایی را که خرد مبدع آن بودند، انجام دهند. شاید اشاره به نین خورساگ (Ninkhursag) به معنای «بانوی سرزمین سنگی» که صخره‌های «خورساگ» را برافراشت در مطالب اساطیری که از او به عنوان

مادر - الهه و مادر همه‌ی کودکان نام می‌برد، از همین مقوله باشد. شاید توپال قاین (Tubal-cain) تورات که آهنگر - خداست همان تیامات الهه‌ی بزرگ سومری باشد، که اختراع هنرها به او نسبت داده می‌شود.

در آثار سومری گروه محاسبان دخل و خرج معابد را زنان تشکیل می‌دادند. زنان در کارگاه‌های نساجی، بافندگی، سفال‌سازی، دزدنگی، پزشکی، سامایی، صنعت‌گری به کار مشغول بودند. در برخی از متون سومری اشاره به گویشی متعلق به زنان به نام امه‌سال (emesal) یعنی «گویش زنان» شده است که خود یک گویش سومری بوده، شاید برای خواندن مرثیه یا سرودهایی توسط زنان به کار می‌رفته است.

بسیاری از الهه‌ها هنگام زایمان حضور داشتند و کار «مایی» را انجام می‌دادند و بعضی دیگر هم چون ایشتار (Istar) پیش از عزیمت سپاه به جنگ، جهت اتخاذ تصمیم‌های مربوط به نبرد و امور مهم سیاسی، مورد مشورت قرار می‌گرفتند.

نزد اقوام شرق باستان به ویژه در دوره‌های پیش - تاریخ «مادر» به ویژه شخصیت تصور دینی بود و به عنوان یکی از خدایان پرستیده می‌شد. این مقام برجسته‌ی زن، نشان می‌دهد که او را به عنوان یکی از خدایان می‌پرستیدند و با توجه به مقام قضایی او در دوره‌های مختلف، مورد توجه است. در جای جای تاریخ، گه‌گاه زنان به عنوان رئیس قبیله، کاهنه، نیا - زن، مقاماتی داشته است. حتا با دو تن از زنان شیمی‌دان در سده‌ی سیزدهم پیش از میلاد، در بین‌النهرین آشنا هستیم. فعالیت زنان در بین‌النهرین و حتا روزگار سلطه‌ی هخامنشیان بر آن سرزمین، برقرار بود. در مصر باستان نیز وراثت از طریق مادر انجام می‌گرفت و حتا رسیدن به مقام پادشاهی نیز از راه ازدواج با ملکه صورت می‌گرفت و این مطلب را ازدواج‌های متعدد کلئوپاترا (Cleopatra) توجیه می‌کند. حتا در شرق باستان در چین نیز از وجود قدرت مادر سخن می‌رود و از فرمانروایان چهار اقلیم از مادر شرق، مادر غرب گفت‌وگو می‌شود. در یک متن چینی آمده است که چینیان کهن تنها «مادر خود را می‌شناختند» ولی خاتان فوهسی (Fu Hsi)، پدرسالاری را جانشین مادرسالاری کرد. در افسانه‌های ژاپن جزایر هوکایدو (Hokkaido) از دیرباز کوه فوجی‌یاما مادینه و کوه هاکو (Haku) نرینه بوده است. خورشید - الهه‌ی آماتراسو (Amatrasu)، که پادشاهان و مردم ژاپن خود را از نسل او می‌دانند. در ژاپن کهن، بارها زنان به حکومت رسیدند.

هنر سوارکاری از دیرباز، یکی از هنرهای اقوام آسیای مرکزی بود که آنان از نژاد هند و اروپایی با زبانی نزدیک به اوستایی، زبان ایران کهن بوده‌اند، این زنان، اجازه ازدواج نمی‌یافتند تا مردی از قبیله‌ی دشمن را نمی‌کشتند. در تاریخ این گونه دوشیزگان را «سرور مردان» می‌نامیدند.

قوم دیگری که هنر فرمانروایی در میان آنان به چشم می‌خورد قوم ماساگت (Massagatae) است که مادرسالاری داشتند به قول هرودوت رسم ازدواج دسته‌جمعی در میان آنها متداول بود. شیوه‌ی آدم‌خواری سستی در میان آنان برقرار بود، یعنی سال‌خوردگان را می‌کشتند و با چارپایان کوچک می‌پختند و می‌خوردند و این شیوه بازمانده‌ی عصر مفرغ بود. کوروش پادشاه بزرگ هخامنشیان به دست ملکه توموروس (Tumoros) فرمانروای آنها به قتل رسید (۵۲۹ پیش از میلاد).

به هر روی، در مرحله‌ی گذر از زندگی کشاورزی به گله‌داری، بسیاری از مادر-اله‌ها حیوان مورد پرستش خود را داشتند و از آثار و باز یافته‌ها پیداست که زنان در این مرحله از نوع زندگی نیز فعالیت‌هایی داشتند و عامل اصلی این گذار و عبور از یک مرحله به مرحله‌ی دیگر بوده‌اند، زیرا در نقش‌های به‌جامانده، مادر-اله‌ها با کنار حیوان مورد پرستش خود یا بر روی آن ایستاده‌اند.

در ساختار اجتماعی کهن، در سازمان‌ها، زن به جای مرد و مادر به جای پدر بوده است، زیرا زن، تنها عنصر پایدار جامعه و مرد عنصر متغیر آن سلسله نَسب از طریق زن ادامه می‌یافت. فریزر گفته است که این «حق مادری» در لاتیم (Latium) باستانی ادامه می‌یافت و شوهر تنها، پدر کودکان بود و خود، اهمیتی نداشت. «حق مادری» در واقع، نشان تکامل اجتماعی در سراسر جهان باستان بود این رسم، مادرسالاری نام دارد و مربوط به روزگاری بود که شکار، اساس زندگی اقتصادی و جامعه را تشکیل می‌داد. زنان اردوگاه را نگاه می‌داشتند. جایی که مردان ضمن سفرهای جنگی به آن‌جا سر می‌زدند و در این هنگام، مرگ و میر میان مردان بسیار بود و در حیات وی، دوام و بقایی وجود نداشت. این‌جا بود که زنان ناچار به کاشتن دانه، ساختن خانه و نگهداری از گله و رَمه مُدند.

در نخستین جوامع اسکان‌یافته‌ی نخستین، در ایران کهن به زنان از دیدگاه برتر و متعالی می‌نگریستند. بر روی مَهرهای مربوط به هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد، زنان به‌ساختن کوزه مشغولند. در ایران نیز تنها پایه‌ی طبیعی پرستگی جامعه‌های بدوی، غیر از همکاری برای تهیه‌ی غذا، عبارت از هم‌خونی بود و این خویشاوندی نیز، جز از طریق انتساب به مادر امکان‌پذیر نبود. لذا نخستین سازمان اجتماعی به‌صورت جامعه‌های دودمانی از تبار مادری درآمد. آثار باز یافته، وجود جامعه‌های دودمانی بر پایه‌ی انتساب به تبار مادری را در سرزمین ما به اثبات می‌رساند و به احتمال قوی می‌توان گفت که مادرسالاری لاقال از آغاز دوره‌ی نوسنگی هسته‌ی مرکزی اقتصاد-اجتماعی مردم ساکن در سرزمین ایران را تشکیل می‌داده است.

آدمیت، فریدون، ۱۳۷۵، تاریخ فکر از سومر تا یونان و روم. تهران: انتشارات روشنگران  
 آشوری، داریوش، ۱۳۵۸. نگاهی به سرزمین، تاریخ، جامعه و فرهنگ چین از دیرینه‌ترین  
 روزگار تا پایان سده نوزدهم. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.  
 اسکندری، ایرج. ۱۳۷۷. در تاریکی هزاره‌ها، به کوشش علی دهباشی. تهران: نشر قطره.  
 ایونس، ورونیکا، ۱۳۷۳. اساطیر هند. ترجمه‌ی باجلان فرخی. تهران: نشر اساطیر.  
 بهزادی، رقیه، ۱۳۷۳. قوم‌های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران. تهران: انتشارات دفتر  
 مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

بیگوت، ژولیت، ۱۳۷۳. اساطیر ژاپن. ترجمه‌ی باجلان فرخی. تهران: نشر اساطیر.  
 تازاوا، یوکاتا و ماتسو بارا، سابورو و... ۱۳۷۵ تاریخ فرهنگ ژاپن، ترجمه‌ی ع. پاشایی. تهران:  
 بخش فرهنگی سفارت کبرای ژاپن در ایران.

دورانت، ویل. ۱۳۶۵. مشرق زمین گاهواره‌ی تمدن. مترجمان احمد آرام، ع. پاشایی،  
 امیرحسین آریان‌پور. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.  
 رجب‌زاده، هاشم، ۱۳۶۵. تاریخ ژاپن از آغاز تا نهضت. تهران: مولف  
 مرتون، اسکات. ۱۳۶۴. تاریخ و فرهنگ ژاپن. ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا. تهران: موسسه  
 انتشارات امیرکبیر.

نقوی، سیدعلی مهدی، عقاید مزدک. تهران: موسسه مطبوعاتی عطایی. وارنر. رکس و  
 استیرلین هنری. ۱۳۷۸. کیش و تمدن مصر باستان، ترجمه‌ی محمد نجفی و امیر امجد. تهران:  
 نیلا.

Allen, W.E.D. 1971. A History of the Georgian people. London: Routledge &  
 Kegan Paul.

Gould Davis, Elizabet. 1971. The First Sex. New York: G.P. Putnam's sons.

King, W. 1969. A History of Babylon. New York: AMS Press.

Marshall Lang, David. 1966. The Georgia. London: Thames and Hudson.

Murray, Margaret. A. 1963. The Splendour that was Egypt. London: Sidgwick &  
 Jackson.

Reed, Evelyn. 1997. Woman's Evolution. New York, London, Montreal, Sydney:  
 Pathfinder.